

چرا باید در اجلاس دوحه از پروتکل های امنیتی جلوگیری گرفت؟

۹۰ درصد تجارت منطقه‌ای با ۲ کشور



یاندژ رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

روز گذشته نشست اضطراری سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در دوحه با سخنران امیر قطر و با موضوع تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به قطر آغاز شد. در این نشست، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، نیز حضور داشت و سخنرانی کرد. به اعتقاد کارشناسان روابط بین‌الملل، اتفاقات اخیر شرایط خاورمیانه را به طور چشمگیری تغییر داده است. روزگاری نه چندان دور، رژیم صهیونیستی و آمریکا سعی می‌کردند ایران را به عنوان تهدید امنیتی بزرگ برای ثبات منطقه معرفی کنند و این موضوع سبب شد کشورهای عربی و اسلامی منطقه از تهدید اصلی یعنی صهیونیست‌ها غافل شوند؛ آن هم در بستری که اسرائیل، با نفوذ پنهان و آشکار و شیفتل‌های خود، بذری اعتمادی را میان همسایگان می‌باشید. اما حالا ورق برگشته؛ اسرائیل خود به عامل ناامنی منطقه بدل شده و سران این رژیم از نقشه اسرائیل بزرگ سخن می‌گویند که امنیت کل را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد با آشکار شدن چهره واقعی رژیم صهیونیستی و تفاهم مشترکی که در سطح منطقه درخصوص تهدید اصلی این منطقه شکل گرفته، فرصتی تازه پیش روی ایران و کشورهای منطقه است؛ فرصتی برای تعاملات اقتصادی چندجانبه و فرصتی برای ایجاد پیمان‌های اقتصادی و امنیتی مشترک.

نزدیک شدن دیدگاه‌های امنیتی کشورهای منطقه در حالی صورت می‌گیرد که در حوزه اقتصادی، روابط این کشورها با یکدیگر و ایران هنوز جای کار زیادی دارد. برای نمونه، آمارهای پنج‌ماهه تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد در ۵ ماه نخست سال جاری، حجم تجارت ایران با ۱۰ کشور عربی بالغ بر ۱۵.۲ میلیارد دلار بوده که حدود ۹۰ درصد آن فقط به ۲ کشور عربی یعنی امارات و عراق اختصاص دارد.

۹۰ درصد تجارت ایران با کشورهای عربی فقط با ۲ کشور است

آمارهای گمرک ایران نشان می‌دهد طی ۵ ماه نخست امسال، حجم تجارت دوجانبه ایران با کشورهای عربی نزدیک به ۱۵.۲ میلیارد دلار بوده است که سهم قابل توجهی از آن به دو کشور عراق و امارات اختصاص دارد. امارات با حدود ۹.۸ میلیارد دلار و عراق با حجم تجارت تقریبی ۳.۹ میلیارد دلار بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران در منطقه هستند و نقش کلیدی در تبادلات اقتصادی ایران ایفا می‌کنند. سهم این دو کشور از تجارت ۱۵.۸ میلیارد دلاری ایران با ۱۰ کشور عربی در ۵ ماه نخست امسال حدود ۹۰ درصد بوده است.

در مقابل، تجارت ایران با عربستان سعودی همچنان بسیار ناچیز است و تنها حدود ۴۱۰ هزار دلار گزارش شده که کمتر از ۰.۰۳ درصد کل تجارت ایران با کشورهای عربی محسوب می‌شود. سایر کشورهای عربی

نیز حجم تجارت متغیری با ایران دارند؛ برای نمونه عمان با بیش از یک میلیارد دلار، کویت با حدود ۹۹ میلیون دلار و قطر با نزدیک به ۱۴۸ میلیون دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این آمارها نشان می‌دهد که هرچند روابط سیاسی در حال بهبود است، اما هنوز ظرفیت‌های اقتصادی بسیاری در منطقه باقی مانده که می‌توان با همکاری‌های مشترک و توسعه پلتفرم‌های اقتصادی آن را به مرحله اجرا رساند.

امارات و عراق در صدر لیست واردات و صادرات

بر اساس آمارهای ۵ ماه نخست امسال گمرک ایران، واردات ایران از ۱۰ کشور عربی در این دوره ۷.۸ میلیارد دلار بوده است. امارات متحده عربی با ثبت رقم قابل توجه ۷.۱ میلیارد دلار، به عنوان بزرگ‌ترین مبدا وارداتی ایران در میان کشورهای مورد بررسی شناخته شد. این رقم حدود ۹۱ درصد از کل واردات ایران از ۱۰ کشور عربی را به خود اختصاص داده و نشان‌دهنده جایگاه محوری امارات در تجارت منطقه‌ای است. پس از امارات، عمان با واردات ۳۷۳ میلیون دلار در رتبه دوم قرار دارد، اما فاصله چشمگیری با امارات دارد. کشورهای عراق، قطر، لبنان و کویت نیز به ترتیب سهم‌های کمتری در واردات داشته‌اند، هرچند مبالغ واردات آن‌ها قابل توجه است.

در سوی دیگر، کشورهایی مانند عربستان سعودی، مصر، اردن و بحرین سهم بسیار ناچیزی در این واردات داشته‌اند که گویای تفاوت چشمگیر سطح واردات در میان کشورهای منطقه است. اما درخصوص صادرات نیز، طبق آمارهای ۵ ماه نخست امسال، مجموع صادرات ایران به کشورهای عربی حدود ۷.۴ میلیارد دلار بوده است. در این میان، صادرات به عراق با بالغ بر ۳.۷ میلیارد دلار، رتبه نخست را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده نقش کلیدی این کشور در تجارت منطقه است. پس از عراق، صادرات به امارات با ۲.۶ میلیارد دلار در جایگاه دوم قرار دارد و سهم قابل توجهی از صادرات ایران را تشکیل می‌دهد. صادرات به عمان با ۷۷۹ میلیون دلار در رتبه سوم قرار دارد و فاصله قابل توجهی با دو کشور اول دارد. صادرات ایران به کشورهای کویت و قطر نیز به ترتیب با ۹۲.۱ میلیون دلار و ۶۷ میلیون دلار، بخش کوچک‌تری از صادرات ایران به کشورهای عربی را تشکیل می‌دهند. صادرات ایران به سایر کشورها مانند اردن، لبنان، مصر، تونس و عربستان سعودی مقادیر اندکی را به خود اختصاص داده‌اند که هر یک کمتر از ۵۰ میلیون دلار است. این ارقام نشان می‌دهد صادرات ایران به ۱۰ کشور عربی منطقه تا حد زیادی مربوط به چند کشور محدود است و بقیه کشورها سهم کوچکی از بازارهای صادراتی خود را در اختیار کالاهای ایرانی قرار داده‌اند.

سقوط ۹۹ درصدی تجارت ایران و عربستان

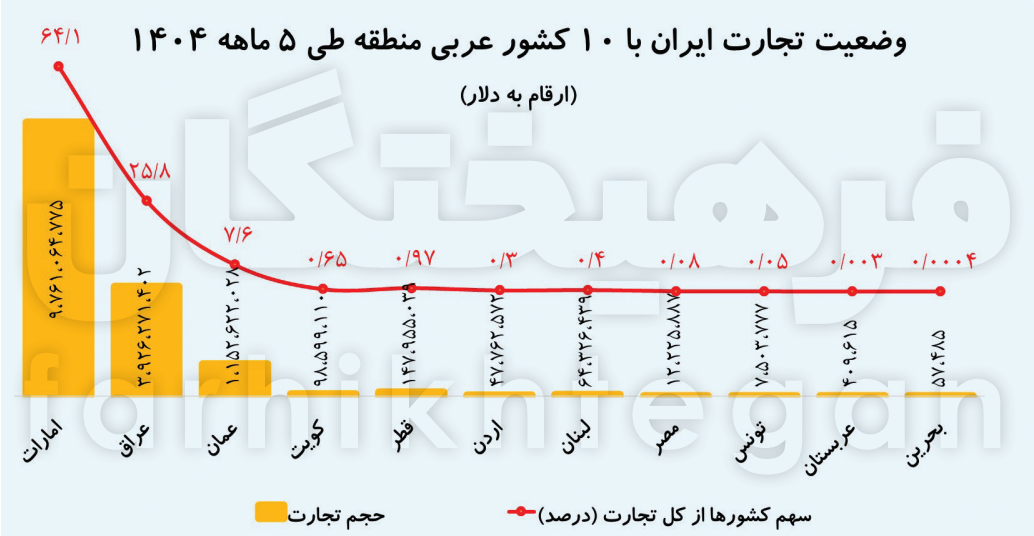
با وجود گذشت سه سال از عادی‌سازی روابط سیاسی، روابط تجاری ایران با عربستان هنوز به سطح قابل توجهی نرسیده است. این در حالی است که در دهه ۱۳۸۰ حجم مبادلات تجاری میان دو کشور حتی به

حدود یک میلیارد دلار در سال نیز رسیده بود. طبق آمارهای ۵ ماه نخست سال جاری، کل صادرات ایران به کشورهای عربی بالغ بر ۷.۴ میلیارد دلار بوده است. در این میان، سهم عربستان سعودی تنها ۳۴۵ هزار دلار گزارش شده که رقمی بسیار ناچیز و تقریباً برابر با ۰.۰۰۵ درصد کل صادرات ایران به ۱۰ کشور عربی است. در مقابل، واردات ایران از

عربستان نیز بسیار ناچیز بوده و تنها ۶۴ هزار دلار گزارش شده است. این آمار به وضوح نشان می‌دهد علی‌رغم عادی‌سازی روابط سیاسی در سال‌های اخیر، تعاملات اقتصادی ایران با عربستان هنوز به سطح قابل توجهی نرسیده و سقوط ۹۹ درصدی نسبت به اوج تعاملات تجاری دو کشور داشته است.

وضعیت تجارت ایران با ۱۰ کشور عربی منطقه طی ۵ ماهه ۱۴۰۴ – ارقام به دلار				
کشور	صادرات	واردات	مجموع تجارت	سهم از کل تجارت (درصد)
امارات	۲,۶۲۷,۸۸۸,۳۹۷	۷,۱۳۳,۱۷۶,۳۷۸	۹,۷۶۱,۰۶۴,۷۷۵	۶۴٫۱
عراق	۳,۷۴۹,۵۸۵,۸۸۱	۱۷۶,۶۸۵,۵۲۱	۳,۹۲۶,۲۷۱,۴۰۲	۲۵٫۸
عمان	۷۷۹,۶۲۳,۲۲۸	۳۷۲,۹۹۸,۸۰۰	۱,۱۵۲,۶۲۲,۰۲۸	۷٫۶
کویت	۹۲,۰۹۵,۶۳۳	۶,۵۰۳,۴۷۷	۹۸,۵۹۹,۱۱۰	۰٫۶۵
قطر	۶۷,۳۰۶,۸۱۵	۸۰,۶۴۸,۲۲۴	۱۴۷,۹۵۵,۰۳۹	۰٫۹۷
اردن	۴۳,۴۵۳,۶۲۵	۴,۳۰۸,۹۴۷	۴۷,۷۶۲,۵۷۲	۰٫۳
لبنان	۱۳,۶۰۵,۶۴۴	۵۰,۷۲۰,۷۹۵	۶۴,۳۲۶,۴۳۹	۰٫۴
مصر	۱۱,۲۹۴,۴۱۷	۹۳۱,۴۷۰	۱۲,۲۲۵,۸۸۷	۰٫۰۸
تونس	۷,۵۰۳,۷۷۷	۰	۷,۵۰۳,۷۷۷	۰٫۰۵
عربستان	۳۴۵,۶۱۵	۶۴,۰۰۰	۴۰۹,۶۱۵	۰٫۰۰۳
بحرین	۰	۵۷,۴۸۵	۵۷,۴۸۵	۰٫۰۰۰۴
مجموع	۷,۳۹۲,۷۰۳,۰۳۲	۷,۸۲۶,۰۹۵,۰۹۷	۱۵,۲۱۸,۷۹۸,۱۲۹	۱۰۰

منبع: گمرک ایران



رویکرد ترکیبی برای حل ناترازی برق در ایران

مرکز پژوهش‌های مجلس اخیراً در گزارشی با عنوان «واکاوی مفهوم ناترازی برق» در کشور به موضوع ناترازی پرداخته است. در این گزارش آمده است: یکی از چالش‌های اصلی در تحلیل میزان کمبود، برق تمایز میان ناترازی توان و ناترازی انرژی است؛ موضوعی که در سطح رسانه‌ای و حتی سیاست‌گذاری کمتر به درستی تفکیک شده است. ناترازی توان به اختلاف لحظه‌ای میان تولید و تقاضای برق و ناترازی انرژی به کسری جمعی در بازه‌ای مشخص اشاره دارد. از دیدگاه علمی و فنی، ناترازی انرژی معیار دقیق‌تری برای ارزیابی کمبود برق به شمار می‌رود و مبنای واقع‌گرایانه‌تری برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. این گزارش با تمرکز بر این موضوع تلاش دارد تمایز میان این دو مفهوم را روشن و پیامدهای آن را در سیاست‌گذاری انرژی کشور تحلیل کند. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع طی ۱۰۸۶ ساعت تقاضای برق فراتر از حداکثر تولید در سال مورد بررسی بوده است. برای جبران کامل این، ناترازی افزایش ظرفیت تولید به میزان ۱۶۸۸۸ مگاوات ضروری است. با این حال بخش قابل توجهی از این تقاضا معادل ۷/۶۶۳ مگاوات تنها در ۱۷۵ ساعت از این ۱۰۸۶ ساعت رخ داده است. بنابراین، این بخش از بار را می‌توان با راهکارهای مدیریت مصرف کنترل کرد، از این رو با افزایش ظرفیت تولید به میزان ۹/۲۲۵ مگاوات می‌توان نیاز مصرف را در ۹۱۱ ساعت باقیمانده به طور کامل پاسخ داد. این امر نشان می‌دهد ترکیبی از توسعه ظرفیت تولید و مدیریت مصرف راهکاری اقتصادی‌تر از اتکای صرف به افزایش ظرفیت تولید است.

تقاضای برق کشور به طور کلی به سه ناحیه بار پایه ناحیه بار میانی و ناحیه اوج بار قابل تفکیک است که هر یک ویژگی‌های مشخص و

مدیر مسئول:

محمدامین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سر دبیر:

محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱)۶۲۹۹۹۴۲۵

کدپستی:

۱۱۳۵۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ، پلین‌تر از جمهوری

رویم‌وی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

است نیازمند افزایش ظرفیت تولید به میزان ۱۶۸۸۸ مگاوات و صرف سرمایه‌گذاری کلان است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که با احداث تنها ۹/۲۲۵ مگاوات ظرفیت جدید معادل ۵۵ درصد از ظرفیت مورد نیاز می‌توان ۹۱۱ ساعت از زمان‌هایی که شبکه برق با ناترازی مواجه است را حذف کرده و بازه زمانی ناترازی را به ۱۷۵ ساعت کاهش داد. ۱۷۵ ساعت باقی مانده مربوط به اوج بار بحرانی است که با برنامه‌های مدیریت مصرف می‌توان آن را مدیریت کرد. اولویت نخست در کاهش ناترازی رفع ناترازی در بخش بار میانی است که نیازمند احداث حدود ۱/۸۴۶ مگاوات ظرفیت جدید بوده و منجر به حذف ۲۰۸ ساعت از مجموع ساعات ناترازی سالیانه خواهد شد. با توجه به توزیع زمانی این ناترازی (ساعات ۱۸ تا ۲۴) نیروگاه‌های خورشیدی کارایی ندارند. از این رو، تبدیل نیروگاه‌های گازی موجود به سیکل ترکیبی راهکاری بهینه برای افزایش راندمان بدون نیاز به سوخت جدید جهت رفع این ناترازی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از ناترازی مربوط به اوج بار غیربحرانی در بازه زمانی ۱۰ صبح تا حدود ۱۸ عصر است، بخشی از ظرفیت جدید مورد نیاز را می‌توان از طریق منابع خورشیدی تأمین کرد. تحلیل داده‌های واقعی شبکه برق کشور نشان می‌دهد که در ساعات اوج بار تابستانی هر یک درجه افزایش دمای هوا منجر به افزایش ۱/۵۵۰ مگاواتی در تقاضا می‌شود. این بدان معناست که با فرض ساخت ۲۲۵/۹ مگاوات ظرفیت جدید به منظور برآوردن حداکثر نیاز تقاضا در ۹۱۱ ساعت از ایام ناترازی تنها با مدیریت مصرف معادل کاهش تقاضای ناشی از ۲ درجه افزایش دما می‌توان تا ۱۵۰ ساعت از ۱۷۵ ساعت ناترازی در ناحیه اوج بحرانی را برطرف کرد.

از منظر سیاسی نیز خبر سفر روز گذشته رئیس‌جمهور به قطر و مذاکرات پیش‌رو، از نگاه برخی معامله‌گران می‌تواند سیگنال‌های مثبتی برای آینده روابط اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. هرچند بازار واکنش فوری و محسوسی به این خبر نشان نداد، اما تحلیلگران آن را در کنار تحولات دیپلماتیک اخیر عاملی برای تقویت انتظارات مثبت در میان سرمایه‌گذاران می‌دانند. به طور کلی، معاملات روز گذشته نشان داد بازار پس از رشد دو روز گذشته نیاز به استراحت و تثبیت دارد. ارزش و حجم معاملات در محدوده معادلی قرار داشت و خروج یا ورود چشمگیر پول حقیقی مشاهده نشد. به نظر می‌رسد بورس در انتظار انتشار اخبار و متغیرهای بنیادی تازه است تا بتواند مسیر بعدی خود را مشخص کند.

۲۲ درصد ظرفیت پتروشیمی خالی است

مدیرعامل شرکت صنایع ملی پتروشیمی گفت: «بزرگ‌ترین چالش فعلی در صنعت پتروشیمی، تأمین خوراک است، به طوری که ۲۲ درصد ظرفیت پتروشیمی که ۱۸ میلیارد دلار نیز برای آن سرمایه‌گذاری شده، خالی و عمده‌دلیل ذیل خوراک است.» به گزارش ایسنا، حسن عباس‌زاده

پیشنهادها

در گزارش بازوی پژوهشی مجلس آمده است: برای توسعه هدفمند ظرفیت تولید نیروگاهی با توجه به پراکندگی الکوی زمانی ناترازی در طول شبانه‌روز و وابستگی بیش از ۹۰ درصد ظرفیت تولید برق کشور به گاز و سوخت‌های مایع لازم است احداث نیروگاه‌های جدید براساس رویکردی جامع و هماهنگ انجام شود، این رویکرد باید شامل بررسی دقیق الکوی زمانی، ناترازی، ارزیابی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های منابع مختلف و هدف‌گذاری برای تنوع بخشی به سبد تولید برق باشد. توسعه ابزارهای مدیریت تقاضا، به‌کارگیری سیاست‌های پاسخگویی بار، جابه‌جایی بار به ساعات کم مصرف و قراردادهای تعدیل بار از جمله راهکارهای مؤثر برای کنترل اوج بار بحرانی و کاهش نیاز به ظرفیت‌سازی گسترده هستند. ارتقای بهره‌وری انرژی در بخش خانگی با توجه به سهم بالای تجهیزات سرمایشی در پیک مصرف، سخت‌گیری در استاندارد ساخت تجهیزات انرژی بر نظیر بارهای سرمایشی جایگزینی کولرهای بر مصرف با نمونه‌های پربازده و اصلاح رفتار مصرفی اجتناب از مصارف غیر ضروری در زمان پیک روزانه در کاهش بار سرمایشی مؤثر خواهد بود. بازنگری در توسعه صنایع پر مصرف انرژی، توسعه بی‌ضایه این صنایع در شرایط محدودیت زیرساخت‌های تولید مانند گاز، برق و آب از عوامل تشدید ناترازی بوده و نیازمند سیاست‌گذاری دقیق مکان‌بایی بهینه و الزام به سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاه‌های خود تأمین است. پیش‌بینی اقلیم و راهبردهای تطبیقی با توجه به نوسانات بارندگی و گرمایش اقلیم طراحی برنامه‌های تولید باید برپایه سناریوهای اقلیمی واقع‌گرایانه انجام شود تا ریسک وابستگی به منابع آسیب‌پذیر نظیر نیروگاه‌های آبی کاهش یابد.